

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقارن جلسه چهل و ششم ۹۶/۱۰/۲۳

لزوم پاسخگوئی روشمند به شبهات (۴۵) – آشنایی با فرق کلامی اهل سنت (۱۴)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله.

بحث ما در اصول و مبادئ احمد ابن حنبل بود که سر منشأ انحراف و هابیت شده است. هشتمین اصلی که اینها در رابطه با افضلیت خلفا دارند این است

«خلافات الصحابة يجب العدول عن التعرض لها والاقتصار على ذكر محاسنهم»

واجب است که از اختلافاتی که بین صحابه بوده عدول کنیم و متعرض آن نشویم و فقط خوبیهای صحابه را مطرح کنیم!

ما در اینجا مباحثی را مطرح کردیم و گفتیم که عمده اختلاف اساسی ما با اهل سنت همین بحث صحابه است.

اینها برای صحابه یک مقام فوق عصمت قائل هستند و می‌گویند:

«الصحابة كلهم من أهل الجنة قطعاً»

الإصابة في تمييز الصحابة، ج ۱، ص ۱۱، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي

الوفاة: ۸۵۲، دار النشر: دار الجيل - بيروت - ۱۴۱۲ - ۱۹۹۲، الطبعة: الأولى، تحقيق: علي محمد البجاوي

از طرفی می‌گویند پیامبر صلی الله علیه و واله و سلم فرموده است:

اعْمَلُوا مَا سُنَّتُمْ فَقَدْ عَفَرْتُ لَكُمْ»

الجامع الصحيح المختصر، ج ۳، ص ۱۰۹۵، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة:

۲۵۶، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب

البغا

سفيان ثوري هم می گوید:

« وَأَيُّ إِسْنَادٍ هَذَا! »

این روایت چه سند با ارزشی دارد!

بر همین مبنا می گویند:

«سنة الصحابة رضي الله عنهم سنة يعمل عليها ويرجع إليها»

عقيدة أهل السنة والجماعة في الصحابة الكرام - (ج ۲ / ص ۸۰۲)

در رابطه با قضیه‌ی محو بدی‌های صحابه این‌ها سخنان زیادی دارند که بخشی از آن را ما قبلاً اشاره کردیم

ذهبی به صراحت می گوید:

«تقرر عن الكف عن كثير مما شجر بين الصحابة وقتالهم»

سير أعلام النبلاء - (ج ۱۰ / ص ۹۲)

لازم است از مشاجرات و کشت و کشتاری که بین صحابه اتفاق افتاده صرف نظر کنیم و واجب است که این‌ها را

نابود کنیم و از بین ببریم.

هیتمی کتابی به اسم تطهیر الجنان واللسان عن ثلب معاویة ابن سفیان دارد من هر وقت این کتاب را می‌خوانم با تمام وجودم به ابن حجر هیتمی لعنت می‌فرستم، این آدم پست آن‌چنان از معاویه دفاع کرده که قطعا از پیغمبر این طوری دفاع نکرده است.

یعنی هرکس بخواید بغض یاران معاویه را بفهمد این کتاب را بخواند. به حق زهرای اطهر (سلام الله علیها) خداوند او را با معاویه و یا هردو را هر آن‌جای که مستحق هستند محشور کند.

بعضی‌ها فریب برخی از روایاتی را که در الصواعق المحرقة در فضیلت ائمه علیهم السلام آورده می‌خورند و برای او دعا و ثنا می‌گویند!

او آن‌چنان بر روی جنایات معاویه چشم بسته و او را فرشته‌ی امین معرفی کرده است، هرکس خبر نداشته باشد تصور می‌کند که معاویه جز انس و جن نیست و یکی از فرشته‌ها است که خدای عالم به صورت انسی این‌جا فرستاده است!

هیتمی می‌گوید واجب است امساک از ما شجر بین الصحابه، یعنی هرچه که بین صحابه اتفاق افتاده است واجب است که ما از این‌ها صرف نظر کنیم.

در بحث بغات و این‌که امیرالمؤمنین با بغات جنگیده است، می‌گوید: این دلیل بر ضعف بغات نیست! آن‌ها هم اجتهاد کردند! و بر مبنای اجتهادشان هم یک ثواب برده‌اند چه معاویه یا طلحه و زبیر باشد!

بعد روایتی را نقل می‌کند من هر وقت این روایت را می‌خوانم بدنم می‌لرزد که امیرالمؤمنین فرمود:

«قتلی و قتل معاویة کلاهما فی الجنة»

بعد می‌گوید:

«وبعض جهلة النقلة»

بعضی از اهل علم و نویسندگانی جاهل

«ینقلون کل ما رووه ویترونه علی ظاهره غیر طاعنین فی سنده ولا مثیرین لتأویله»

عین روایاتی را که در مذمت صحابه می‌بینند نقل می‌کنند بی‌آنکه در سندش اشکال وارد کرده و یا آن‌ها را تأویل کنند!

«وهذا شدید التحريم»

این حرام مشدد است!

«لما فيه من الفساد العظيم»

چنین روایاتی که در طعن صحابه است اگر ما تأویل نکنیم و در سندش اشکال نکنیم فساد عظیم دارد.

« وهو اغراء العامة»

در حقیقت فریب دادن عموم مردم است

«ومن فی حکمهم علی تنقیص اصحاب رسول الله الذین لم یقم الدین الا بنقلهم الیها»

این باعث می‌شود که ما اصحاب را تنقیص کنیم، آن اصحابی که دین اسلام به نقل این‌ها به ما رسیده است.

این هم پیراهن عثمان آقایان است همان‌طوری که در عبارتهای شعبی می‌گوید آن کسانی که صحابه را طعن می‌کنند در دین ما طعن می‌کنند هدف آن‌ها نابود کردن دین است.

چون دین ما از کانال صحابه رسیده وقتی صحابه مورد طعن قرار گرفتند و زیر سوال رفتند دین زیر سوال می‌رود. این یکی از مصیبت‌های اساسی است.

ما باید در رابطه با حدیث ثقلین نهایت تلاشمان را در جامعه داشته باشیم، حتی فرزندان کوچکمان را از اول کودکی تربیت کنیم و تلاش کنیم که با کتاب و سنت و جایگاه اهل بیت در نقل سنت آشنا شوند. ما اینها را طوری پرورش دهیم وقتی که در دبستان و دبیرستان و دانشگاه وارد شدند بتوانند با قدرت از اهل بیت دفاع کنند.

هیتمی در ادامه می‌گوید:

«وکلهم علی هدی من ربهم»

تمام اینها هدایت پروردگاری دارند.

پس این جنایاتی که کرده‌اند اینها را چه کار کنیم؟

«لان ما صدر منهم لم یکن إلا عن اجتهاد»

یعنی اگر چنانچه کسی زنا کرده، دزدی کرده و شراب خورده، عن اجتهاد بوده است!

«وقد بین الصادق علیه السلام أن من اجتهد فأصاب فله اجران؛ وفي رواية فله عشرة اجور، ومن اجتهد واخطأ

فله أجر واحد»

پرسش:

بخشید این من اجتهد عام است شامل ما هم می‌شود چرا اختصاص به صحابه دادند؟

پاسخ:

بله ولی آنجا ما دو تا جواب داریم:

۱- اجتهاد یا باید از کتاب و یا از سنت باشد، این آقایانی که آمده‌اند در برابر امیرالمؤمنین جنگیده‌اند دلیل‌شان از کتاب چیست؟ و دلیل‌شان از سنت چیست؟ این‌ها که رفته‌اند قرآن به آن‌ها می‌گوید:

(إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا)

سوره حجرات (۴۹): ۶

از این واضح‌تر و روشن‌تر چه می‌خواهند! این‌ها با چه رفتند اجتهاد کردند، شراب خوردند و زنا کردند؟

۲- اگر این‌ها اجتهاد کردند و ثواب دارند شما باید خود رسول اکرم را تخطئه کنید آن کسی که شراب خورده اجتهاد کرده است. چرا پیامبر به این شخص حد زده است؟ پس نستجیر بالله پیامبر اشتباه کرده است، باید یک تشویقی هم به شخص خطاکار می‌داد!

پرسش:

ابوبکر می‌گوید من اجتهاد می‌کنم اگر درست از آب درآمد از من است و اگر نه از شیطان است این را چه کار کنیم؟

پاسخ:

از کجا بفهمیم از شیطان است یا غیر شیطان؟! این هم یک اشکال اساسی دارد، البته ابوبکر نمی‌گوید من اجتهاد می‌کنم می‌گوید من به رأیم عمل می‌کنم، ان شاء الله اگر فرصت بشود من مبانی اجتهاد از دیدگاه اهل سنت را می‌آورم که این‌ها اجتهاد را منحصر به کتاب و سنت و اجماع می‌دانند، قیاس را هم همه این‌ها قبول ندارند.

پرسش:

از حرف ایشان پیدا است که اجتهاد به رأی می‌کنند.

پاسخ:

اگر اجتهاد به رأی می‌کنند

«من فسر القرآن»

یا:

«من فسر السنة برأيه فليتبوأ مقعده من النار»

در هر صورت ابوبکر می‌گوید هر وقت من غضبناک شدم از من دوری کنید من به به سر و صورت شما چنگ می‌اندازم و شما را زخمی می‌کنم.

هیتمی در ادامه می‌گوید:

«فمخطئهم كمصيبهم في اصل الثواب»

صحابه، مخطئ و مصیب‌شان در اصل ثواب مشترک هستند.

این‌ها یک ثواب می‌برند آن‌ها دو ثواب و یا ده ثواب می‌برند! پس باید به هیتمی گفت: خلیفه دوم افرادی را که حد زده؛ پس خلاف کرده که حد زده است و طبق آیه قرآن

(وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ)

سوره مائده (۵): ۴۴

(وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ)

سوره مائده (۵): ۴۷

پس بنابراین خلیفه دوم بر خلاف ما انزل الله حکم کرده است، یعنی این کار آقایان سر از کفر خلیفه در می آورد.
یا نستجیر بالله خود رسول اکرم را زیر سوال می برد.

پرسش:

حدود که انزل الله است.

پاسخ:

هیتمی می گوید اجر و پاداش دارد، گناه نکرده برای چه حد می زند؟! یعنی کسی که نماز می خواند و روزه می گیرد او را حد می زنند! این می گوید این کسی که رفته زنا کرده، شراب خورده اجتهاد کرده است.

قدامة ابن مظعون صحابی بدری است و در مورد اهل بدر هم دارند:

«إعملوا ما شئتم»

چرا عمر او را به خاطر شراب خوردنش شلاق زد؟ هم در مورد

«إعملوا ما شئتم»

عمر بن خطاب خلاف دستور پیامبر عمل کرده و هم خلاف مبنای خود اهل سنت عمل کرده است.

من معتقدم ما باید این چالش ها را مؤدبانه و منطقی بیان کنیم و سوال کردن، چه بسا یک سوال دهها و صدها و هزاران جوان را بیدار و متوجه کند. ما به ولله دل مان برای این ها می سوزد. فردای قیامت بیایند چشم باز کنند می بینند آن چه را که تصور می کردند حق است، همه باطل بوده است، و چشم شان را باز کنند و ببینند آن چه که کرده اند و آن چه را که گفته اند همه خلاف بوده است.

ما می‌گوییم قبل از این‌که آن روز برسد بیدار بشوید و ببینید قضیه چیست؟ قرآن و سنت پیامبر، مگر حدیث ثقلین جزء سنت پیامبر نیست؟ سنت پیامبر فقط این است که

«من اجتهد فأخطأ فله اجر واحد»

فقط همین یک مورد سنت پیامبر است؟!

بعد خیلی عجیب است ایشان می‌آید در مورد عمار که پیامبر گفته است

«تقتلك الفئة الباغية»

پس:

«فقاتل عسکر معاوية حتى قتله فهذا اخبار من الصادق المصدوق أنّ معاوية باغ على على وأن علياً هو الخليفة

الحق»

و در ادامه دارد:

«وجوابه غاية ما يدل عليه هذ الحديث أنّ معاوية واصحابه بغاتُ وقد مرّ أنّ ذلك لا نقص فيه»

باغی بودن نقصی برای معاویه نیست!

«وأنهم مع ذلك مأجورون غير معذورين»

این‌ها هم معذور هستند و هم وزر و وبالی برگردن این‌ها نیست، چرا؟

چون پیامبر فرموده است:

«إن المجتهد اذا اجتهد فأخطأ فله اجر، و مرّ مستوفاً ومبسوطاً أنّ معاوية مجتهدٌ أي مجتهد»

ابن حجر! خدا به حق حضرت زهرا سلام الله عليها تو را با معاویة ی «أی مجتهد» و هر آن جای که معاویة را محشور می کند تو را هم در آن جا محشور کند!

بعد می گوید:

«باغی لایفسد ولایائم»

در ادامه می گوید امیرالمؤمنین گفت

«اصحابی اعذرونی و...»

می گوید این که پیامبر فرموده است:

«عمار تقتلک الفئة الباغیة»

معاویة گفت:

«اسکت نحن قتلنا!»

مگر ما عمار را کشتیم!

اجتهاد را ببینید **أی مجتهد!** ای خاک بر سرت ابن حجر! عذاب جهنم نوش جانت باشد! می گوید ما عمار را نکشتیم

«إنما قتله من جاؤوا به والقوه بین رماحنا»

فته باغیة علی است! چون علی عمار را از خانه اش بیرون کشید و در جلوی تیرها و شمشیرهای ما قرار داد و کشته شد.

پرسش:

عمار مع الحق پس چه می‌شود؟

پاسخ:

عمار مع الحق! علی مع الحق که بالاتر از آن است، خود امیرالمؤمنین را زیر سوال برده است.

پرسش:

علت این همه طرفداری چیست، آیا بغض حضرت را داشته یا انگیزه دیگری داشته است؟

پاسخ:

عزیز من! ما باید برویم، دعایی برای مادرمان بکنیم که در حق پدرانمان خیانت نکردند، این جواب شما است.

امیرالمؤمنین سلام الله علیه جواب داد اگر بنا باشد قاتل عمار ما باشیم قاتل حمزه هم پیامبر اکرم است؛ چون

پیامبر حمزه را از خانه‌اش در جنگ احد بیرون آورد و در برابر شمشیر کفار قریش قرار داد.

این‌ها را می‌آورد ولی این که امیرالمؤمنین چه جواب داد را نمی‌آورد این مریض است، معاویه که چنین حرف

غلطی زد امیرالمؤمنین برای او چه جوابی داد؟ اگر تو محقق هستی جواب علی علیه السلام را هم بیاور، تا کسی

که کتاب تو را می‌خواند جواب امیرالمؤمنین را هم خوانده باشد.

بحث‌های مفصلی دارد شما اگر هر از قسمت این کتاب را بخوانید بغض و عداوت شما نسبت به طرفداران بنی

امیه و کسانی که از معاویه و یزید طرفداری می‌کنند بیشتر می‌شود.

ابن حجر هیتمی در کتاب الصواعق المحرقة هم می‌گوید:

«ومما يوجب أيضا الإمساك عما شجر أي وقع بينهم من الاختلاف والإضراب صفحا عن أخبار المؤرخين سيما
جهة الروافض وضلال الشيعة والمبتدعين القادحين في أحد منهم فقد قال إذا ذكر أصحابي فأمسكوا»

از چیزهایی که واجب است خودداری از مشاجرات و اختلافاتی است که بین صحابه بوده است. چه رسد به اخبار
مورخین، نادان‌های روافض و گمراهان شیعه و بدعتگذارانی که در صحابه قدح می‌کنند. پیامبر فرمود: وقتی
اسم صحابه‌ی من آمد دیگر در آن جا سکوت کنید.

الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة، ج ۲، ص ۶۲۱، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد
بن علي ابن حجر الهيتمي الوفاة: ۹۷۳هـ، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - ۱۴۱۷هـ - ۱۹۹۷م، الطبعة:
الأولى، تحقيق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط

آقای ابن حجر! این که بر بالای بیش از هفتاد هزار منبر امیرالمؤمنین را سب می‌کردند؛ نص صریح مسلم است
که معاویه دستور سب داده، آن جا زبانت کجا بود؟! مگر حضرت علی علیه السلام که معاویه او را سب و لعن
می‌کند جزء صحابه نیست؟! چرا فقط از معاویه دفاع می‌کنی ولی از امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر نیستی
دفاع کنی؟

این همه صحابه را به دستور معاویه کشتند و آواره کردند مثل حجر بن عدی‌ها و... مگر این‌ها صحابه نبودند؟
خیلی عجیب است.

پرسش:

استاد راجع به قاتلین عثمان چیزی می‌گوید؟

پاسخ:

الی ماشاء الله! می گوید آنها مجتهد نبودند اراذل و اوباش بودند! مفصل در رابطه با قتل عثمان حرف می زند و می گوید آنها مجتهد نبودند آنها از پشت کوه آمده بودند و اصلا اجتهاد بلد نبودند!

دوستان، کتاب تطهیر الجنان ابن حجر هیتمی را بخوانند.

اقای بدرالدین عینی متوفای ۸۵۵ در شرح صحیح بخاری در رابطه با این که می گویند معاویه باغی بوده و علی ابن ابیطالب به حق بوده پس کشته هایشان چه می شود؟

«قتلی وقتل معاویه کلهما فی الجنة»

بعد

«فالقائل والمقتول فی النار»

را مطرح می کند و اقوال را هم مختلف نقل می کند قول ابوسعید خدری و دیگران را نقل می کند که چه گفته اند در ادامه می گوید:

«وقال معظم الصحابة والتابعین وغيرهما : يجب نصر الحق وقاتل الباغین لقوله تعالى : (فقاتلوا التي تبغی حتی تفيء إلى أمر الله (الحجرات : ۹) وهذا هو الصحيح»

عمدة القاري شرح صحيح البخاري، ج ۱، ص ۲۱۲، اسم المؤلف: بدر الدين محمود بن أحمد العيني الوفاة: ۸۵۵هـ ، دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت

در ادامه می گوید:

« والحق الذي عليه أهل السنة الإمساك عما شجر بين الصحابة وحسن الظن بهم ، والتأويل لهم وأنهم مجتهدون متأولون لم يقصدوا معصية»

... اصلا این‌ها نیت گناه هم نکردند!

ولی همین‌طوری پشه‌ها از آسمان آمدند ۳۰ هزار نفر را در جنگ جمل نیش زدند و همه مردند! و ملخ‌های آسمان هم ۱۱۰ هزار نفر را در صفین کشتند! این‌ها هیچ گناهی نکرده بودند! خیلی عجیب است.

« ولا محض الدنيا »

پرسش:

در مورد جنگ‌های رده و کشتن مالک بن نویره هم همین تعبیر را دارد؟

پاسخ:

نه در آن‌جا این تعبیرات را ندارند.

پرسش:

نمی‌گوید مجتهد بودند؟

پاسخ:

درباره مالک بن نویره می‌گوید در برابر امام به حق قیام کرد! بهترین این موارد قتل عثمان است.

« فمنهم المخطيء في اجتهاده والمصيب ، وقد رفع الله الحرج عن المجتهد المخطيء في الفروع ، وضعف أجر

المصيب »

ضعف یعنی چند برابر کرده است بعد می‌گوید:

« وتوقف الطبري وغيره في تعيين المحق منهم »

طبری و دیگران می‌گویند ما نمی‌دانیم علی محق بود و یا معاویه، علی محق بود یا طلحه و زبیر.

این روایاتی که شما نقل کردید که پیامبر اکرم به علی بن ابی‌طالب دستور داد که با مارقین و ناکثین و قاسطین بجنگد می‌گوید با سند صحیح بلکه مستفیض نقل شده است قاسطین چه کسانی هستند؟ معاویه و یارانش هستند قرآن چه می‌گوید:

(وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا)

سوره جن (۷۲): ۱۵

قرآن می‌گوید قاسطین هیزم جهنم هستند.

از این روشن‌تر و از این دلیل واضح‌تر؟! پیامبر هم می‌گوید معاویه و دار و دسته‌اش

«کلهم من القاسطین»

ما چه کار کنیم؟ می‌گویند جمهور گفته علی مصیب بوده و معاویه غیر مصیب بوده ولی مجتهد مخطیء بوده است!

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته